

Research Article

The Impact of Martyrdom Discourse on the Formation of National Identity*

Reza Parizad¹, Seyed Javad Hashemi Monfared²

¹ Assistant Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
(Corresponding Author), r_parizad@yahoo.com

² PhD. Student, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Hashemimonfared.javad@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to analyze the effect of altruism and martyrdom discourse on the formation of national identity, within the framework of discourse analysis. The method of study is descriptive analysis and the results indicate that the political socialization of the new generation is the solution to identity crisis; and the discourse of altruism and martyrdom has provided the process of socialization with more potential to form national identity. On the other hand, as a result of otherness of this discourse, a resistance approach against the oppressors and dominators is formed. Therefore, those who feel oppressed show resistance by reflecting their identity out of martyrdom discourse and hence fight against or compete with the oppressors. Using this discourse and highlighting some structures and layers of identity coming out of that and by showing the perceived distinctions, Muslim fighters launch a sort of antagonism.

Keywords: Martyrdom Discourse, National Identity, Resistance Identity, Discourse Theory, Laclau and Mouffe's Theory of Discourse, Altruism Discourse.

* Received: 2020/05/10 ; Accepted: 2020/12/03

** Copyright © the authors

تأثیر گفتمان شهادت بر ساخت هویت ملی^۱

رضا پریزاد^۱، سیدجواد هاشمی منفرد^۲

^۱ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). r_parizad@yahoo.com
^۲ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Hashemimonfared.javad@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش گفتمان ایثار و شهادت در ساخت هویت ملی، در چارچوب تحلیل گفتمان بود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که جامعه‌پذیری سیاسی نسل جدید راه حل بحران هویت می‌باشد و گفتمان ایثار و شهادت، در فرایند جامعه‌پذیری امکان بیشتری در ساخت هویت ملی فراهم آورده است. از سوی دیگر در نتیجه غیریت‌سازی این گفتمان، رویکرد مقاومت در مقابل ستم‌پیشگان و مستکبران، شکل می‌گیرد. بدین ترتیب از طریق بازنمایی هویت برآمده از گفتمان شهادت، افراد و جماعت‌هایی که احساس می‌کنند در موقعیت ستم‌دیدگی قرار دارند، از خود مقاومت نشان داده و به ستیز یا رقابت با ستمگران می‌پردازند. مبارزان و مجاهدان مسلمان از طریق این گفتمان و برجسته ساختن برخی سازه‌ها و لایه‌های هویت برآمده از آن و با نشان دادن تمایزات خود، به نوعی غیریت‌سازی مبادرت ورزند.

کلیدواژه‌ها: گفتمان شهادت، هویت ملی، هویت مقاومت، نظریه گفتمان، گفتمان لاکلا و موف، گفتمان

ایثار.

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی از مهم‌ترین پدیده‌های قرن بیستم به‌شمار می‌رود. این رخداد شگرف بسیاری از نظریات دوران مدرن را با تردید روبرو ساخت. بسیاری از اندیشمندان با این پرسش روبرو شدند که انقلاب اسلامی ماهیتی سنتی دارد یا این‌که پدیده‌ای مدرن تلقی می‌شود؟ تدا اسکاچپول^۱ در مقاله «دولت تحصیل‌دار و اسلام شیعی در انقلاب ۱۹۷۹»، یکی از ویژگی‌های برجسته انقلاب ایران را وجه معنوی و موقعیت پیامبرگونه رهبری آن می‌داند. رابرت دیلی^۲، میشل فوکو^۳ و عده دیگری از صاحب‌نظران برای خروج از این تردید، تلاش کردند آن را انقلابی پست مدرن معرفی کنند.

همه آن‌چه بیان شد، تفاوت و تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر تحولات سیاسی - اجتماعی دوران اخیر است. ابعاد معنوی برگرفته از اندیشه‌های اسلام شیعی، محرک اصلی و شکل‌دهنده کنش‌های انقلابی مردم ایران بود؛ به گونه‌ای که امام خمینی این انقلاب را «انقلاب ارزش‌ها» نامید.

کنشگران انقلابی با اتکاء به ذات لایزال الهی و باور به این‌که سعادت اخروی و بازگشت به قرب الهی بستگی تام به چگونگی زیستن در دنیا دارد (الدنيا مزرعه الآخرة)، کوشیدند، زیستن خود را با حیات طیبه گره بزنند. بی‌گمان مهم‌ترین ارزش در این سبک زندگی «شهادت» است که مرگ به معنای نیستی نمی‌باشد، بلکه حیات جاودانه بوده و شهید مقرب الهی است و نزد او متنعم می‌شود، «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۷۸). بنابراین، جامعه‌ای که «شهادت» از سازه‌های اصلی هویت آن باشد، جامعه‌ای سعادت‌مند و همواره در حال تحول و شدن است که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱).

بدین ترتیب با ظهور انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی، فرهنگ شهادت وارد گفتمان جامعه ایرانی شد. فرهنگی که با تاسی از فرهنگ عاشورا به مقابله با دشمنان

1. Theda Skocpol

2. Robert daily

3. Michel foucault

خارجی و ستمگران و مستکبران پرداخت.

در حال حاضر با قرار گرفتن جامعه ایرانی در فرایند نوسازی و پدیداری نسل‌های جدید، تغییرات اجتماعی جدیدی را شاهد هستیم. در این شرایط شکاف‌های اجتماعی فعال می‌شوند و فرایند نوسازی را با چالش روبرو می‌سازند. اکنون نشانه‌های بی‌شماری از وجود اختلالات و بحران‌هایی در سطح هویت ملی دیده می‌شود، اگر چه در مورد میزان و سطح این بحران‌ها اتفاق نظر وجود ندارد.

نظام‌های سیاسی برای حل و رفع این بحران‌ها خود را به ابزار لازم برای برانگیختن حس همبستگی ملی تجهیز می‌کنند. هویت ملی با بهره‌گیری از توانایی‌های نمادین مانند زبان، دین، گذشته تاریخی و منافع مشترک می‌تواند به وفاق اجتماعی و هم‌بستگی ملی یاری رساند. از مهم‌ترین منابع ساخت هویت ملی، توانایی‌های استخراجی و نمادین نظام سیاسی است و یکی از مؤلفه‌های پراهمیت و تأثیرگذار بر این توانایی‌ها، ارزش‌های مربوط به ایثار و شهادت می‌باشد. بدین ترتیب از طریق تأثیرگذاری این ارزش‌ها بر فرایند جامعه‌پذیری، زمینه‌های ساخت هویت ملی فراهم می‌آید. حال پرسش این است که: تأثیر گفتمان شهادت در ساخت هویت ملی چیست؟

۲. مفاهیم

۲-۱. هویت

هویت تعریفی است که فرد از خود و وجود خود ارائه می‌کند و به پرسش‌هایی چون چیستم و چه می‌خواهم، پاسخ می‌دهد. فرد از طریق هویت به ابعاد شخصیت خود نوعی هماهنگی و انسجام نسبی می‌بخشد و از نظر روانی و رفتاری در زمان و مکان، موضع‌یابی می‌کند. کاستلز^۱ در برداشت خود از هویت، آن را فرآیند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود، می‌داند. از نظر وی، برای هر فرد خاص یا برای هر کنشگر جمعی ممکن است چندین هویت وجود داشته باشد و این کثرت برای

خود- بازنمایی و کنش اجتماعی سرچشمه تنش و تناقض شود. وی معتقد است که برای ساختن هویت‌ها از مواد و مصالحی مثل تاریخ، جغرافیا، زیست‌شناسی، نهادهای تولید و بازتولید، خاطره جمعی، رؤیاهای شخصی، دستگاه جهاز قدرت و وحی و الهامات دینی استفاده می‌شود. اما افراد، گروه‌های اجتماعی و جوامع، تمامی این مواد خام را می‌پروراند و معنای آنها را مطابق الزامات اجتماعی و پروژه‌های فرهنگی که ریشه در ساخت اجتماعی و چارچوب زمانی- مکانی آنها دارد، از نو تنظیم می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲-۲۴).

۲-۲. هویت ملی

هویت ملی بالاترین سطح هویت را بیان می‌کند و تعلق فرد به یک جامعه ملی را نشان می‌دهد. از این لحاظ، هویت‌های فردی و اجتماعی در سطح پایین‌تر و به عبارت دیگر زیرمجموعه هویت ملی قرار می‌گیرند. در میان انواع گوناگون هویت، لایه‌ها و سطوح آن، که دامنه گسترده‌ای از هستی درونی فرد تا هستی جهانی وی را در بر می‌گیرد، وجود هویت ملی که در قالب واحدهای مستقل سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی به نام کشور معنا می‌یابد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا کشور به عنوان یک واحد سیاسی مستقل، بسیاری از عناصر هویت‌بخش یک نظام اجتماعی را از سایر نظام‌ها متمایز و جدا می‌سازد (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱).

۲-۳. اینثار

اینثار به معنی برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن می‌باشد. برگزیدن یعنی منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن و این کمال درجه سخاوت است. دیگری را در رساندن به منفعت و دفع مضرت بر خود مقدم داشتن و آن نهایت برادری است (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۱۶۶).

۲-۴. شهادت

در تفکر اسلامی، «شهادت» به معنای گذشتن از سرمایه و هستی خود در راه هدف و آرمان‌های الهی است. شهادت را می‌توان کامل‌ترین جلوه اینثار دانست. به تعبیری کشته شدن در راه خداست و مرگ طبیعی به شمار نمی‌آید، بلکه زندگی جاودانه است (آل عمران، ۱۶۹).

۲-۵. گفتمان شهادت

گفتمان به مثابه پدیده‌ای که درون نمادهای همگانی و قابل مشاهده تجسم یافته است، در نظر گرفته می‌شود. این نمادها ایستا و فاقد صفات انسانی نیستند، بلکه در جریان کنش انسانی خلق می‌شوند و به روابط افراد و جامعه شکل می‌بخشند. این جاست که گفته می‌شود شهادت یک کنش انسانی است که در نتیجه فعالیت کنشگر انسانی و درون نهادهای فرهنگی به یک نظام گفتمانی تبدیل می‌شود.

۳. چارچوب تحقیق

فهم ظرفیت‌های هویتی در جمهوری اسلامی از طریق درک گفتمان انقلاب اسلامی امکان‌پذیر است. این گفتمان نه تنها در گفتار رهبران انقلاب و نخبگان فکری و سیاسی قابل دریافت بوده، بلکه در متون سیاسی و اسناد رسمی نیز قابل مشاهده می‌باشد. بنابراین، روش تحلیل گفتمان، کاربردی‌ترین روشی است که می‌تواند دستیابی به داده‌های این تحقیق را فراهم سازد.

نظریه گفتمان، به نظام‌های معنایی می‌پردازد که در آن فهم مردم از نقش خود در جامعه شکل گرفته و بر فعالیت‌های سیاسی فردی و جمعی آنها اثر می‌گذارد. فرض اولیه در این رویکرد این است که فهم رفتار و پدیده‌ها، زمانی میسر است که درون یک چارچوب گسترده معنایی قرار گیرند. ساختارهای معنایی، رفتار افراد، گروه‌ها و جوامع را معنادار کرده، به هویت‌ها و منافع شکل می‌دهند و خط و مرزهای آنها را با دیگران متمایز می‌سازند. روش تحلیل گفتمان با نقش معنادار رفتارها و ایده‌های اجتماعی در زندگی سیاسی سروکار دارد. بهره‌گیری از این روش، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا با درک الگوها و انگاره‌های معنابخشی که در متن کنش‌های اجتماعی وجود دارد، بتوان «ساختارهای معنایی نهفته» را مورد شناسایی قرار داد و دریافت که چگونه به مقتضای صورت‌بندی گفتمانی نحوه خاصی از عمل سیاسی ظهور می‌یابد.

در گفتمان فراتر از تحلیل زبان‌شناسانه که صرفاً به عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به مثابه ابزار کشف معنا تأکید می‌شود، به عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... نیز توجه می‌شود. بنابراین، با استفاده از تحلیل مضمون به شناخت و تحلیل داده‌های متنی پرداخته می‌شود تا شبکه‌ای از مفاهیم و نشانه‌ها حاصل شود. نشانه‌های درون یک گفتمان حول یک نقطه مرکزی به طور جزئی تثبیت

می‌شود. نقطه مرکزی، نشانه برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند، به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود. کلیت ساختمند حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامند.

در مجموع گفتمان‌ها دارای دو ویژگی عام هستند:

الف) گفتمان‌ها خاص و موقعیت‌مند بوده و از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرند. هر گفتمانی در شرایط و موقعیت خاصی تولید می‌شود. از این رو «تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره درصدد بوده است تا نشان دهد که هیچ متن یا گفتار و نوشتاری بی‌طرف نیست، بلکه به موقعیتی خاص وابسته است. این امر ممکن است کاملاً ناآگاهانه و غیرعامدانه باشد» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹، ص ۵۲).

ب) گفتمان‌ها معنادارند و هویت‌بخش هستند. لاکلاو و موفه^۱ معتقدند برای اینکه اشیاء و فعالیت‌ها معنادار باشند، باید جزئی از یک گفتمان عملی قرار گیرند (هوارث، ۱۳۷۹، ص ۱۳۹).

در این پژوهش سعی شده است تا با بهره‌گیری از دو گروه از نظریه‌پردازان گفتمان، زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان شهادت و نحوه صورت‌بندی آن توضیح داده شود. بنابراین، در ابتدا با استفاده از مبانی نظری گفتمان ون دایک^۲ و روبرت و سنو^۳ چگونگی شکل‌گیری گفتمان بیان می‌شود و سپس با مراجعه به نظریه گفتمان لاکلاو و موف صورت‌بندی گفتمان شهادت بازنمایی خواهد شد.

۴. نظریه گفتمان ون دایک و سنو

به اعتقاد ون دایک، گفتمان شکلی از کاربرد زبان است که همچون یک تعامل یا رخداد ارتباطی در یک موقعیت اجتماعی به وقوع پیوسته و به مردم در انتقال اندیشه‌ها، باورها و احساساتشان کمک می‌کند. او وظیفه یا هدف اصلی مطالعه گفتمان را فراهم آوردن

1. Laclau & Mouffe

2. Van Dyke

3. Robert Wesno

توصیف یکپارچه از این سه بعد اصلی گفتمان دانسته و معتقد است نظریه پردازان گفتمان برای ارائه یک توصیف منسجم با پرسش‌هایی روبرو هستند. ون دایک معتقد است هر گفتمان دارای تولیدکننده (چه کسانی سخن می‌گویند؟)، موضوع (درباره چه سخن می‌گویند؟)، مخاطبان (با چه کسانی سخن می‌گویند؟)، شیوه به‌کارگیری زبان (چگونه سخن می‌گویند؟) دلایل تولید گفتمان (چرا سخن می‌گویند؟) می‌باشد (فان دایک، ۱۳۸۹، ص ۲۲-۱۰).

به اعتقاد وسنو نیز گفتمان همان محصول فرهنگی است که در نتیجه فعالیت کنشگر انسانی و درون نهادهای فرهنگی تولید می‌شود، بنابراین، باید به این مسأله توجه شود که پدید آمدن گفتمان، نیازمند وجود تولیدکننده است. پس یک نظریه پرداز گفتمان، باید در نظریه خود به نقش کنش‌های دخیل در گفتمان توجه کند. از نظر وسنو تولیدکنندگان گفتمان برای بیان اندیشه‌های خود از منابع مختلفی بهره می‌جویند که غالباً براساس محیط اجتماعی که در آن حضور دارند، انتخاب می‌شوند. این منابع می‌توانند مقاله، کتاب، پژوهش‌های دانشگاهی، بحث و گفتگو، کلاس درس، رساله فلسفی، نامه، رساله تفسیری، رمان، شعر، داستان و هر چیزی که مبتنی بر شیوه روایت‌پردازی، استدلال‌آوری و شیوه‌های بازنمایی مختلف بوده، باشند (غفاری هاشجین و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸).

۵. نظریه گفتمان لاکلا و موف

لاکلا و موف نظریه معنایی و مفهوم گفتمان را بر پایه یک نظام نشانه‌شناختی قرار داده‌اند. بنابراین، گفتمان شبکه‌ای از نشانه‌ها است که عناصر درون آن به خودی خود دارای معانی چندگانه‌اند در پی تثبیت معنا و یافتن هویت، به طور تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی کنار هم قرار می‌گیرند و هر نشانه از طریق غیریت‌سازی با سایر نشانه‌ها هویت خود را بازمی‌یابد. معنای نشانه‌های درون یک گفتمان حول یک نقطه مرکزی به طور جزئی تثبیت می‌شود. نقطه مرکزی، نشانه برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند. لاکلا و موف عملی را مفصل‌بندی می‌نامند که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود. کلیت ساختمان حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامند (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۷۷-۷۶).

تیین نظریه لاکلا و موف مستلزم بیان مفاهیم کلیدی و سازنده آن است:

۱) دال و مدلول: اگر گفتمان را تلاش برای تثبیت شبکه‌ای از معانی در یک حوزه خاص بدانیم، آنان بر این باورند که معنا و هویت از طریق عمل مفصل‌بندی^۱ حاصل می‌شود. مفصل‌بندی را عملی می‌دانند که از طریق ارتباط دادن عناصر هر گفتمان حول دال مرکزی^۲ شکل می‌گیرد. در نظریه گفتمان لاکلا و موف، دال‌ها به دو گونه دال مرکزی و دال شناور تقسیم می‌شوند. دال مرکزی به مثابه عمود خیمه است که بدون آن خیمه فرومی‌ریزد. گفتمان، منظومه منسجمی است و دال برتر، هسته مرکزی آن و نیروی جاذبه هسته مرکزی (دال)، سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند (خلجی، ۱۳۸۶، ص ۵۴). بدین ترتیب با فرار گرفتن سایر نشانه‌ها در اطراف دال مرکزی، گفتمان به یک ثبات موقتی دست می‌یابد.

همچنین لاکلا و موف، معانی طرد شده از گفتمان را حوزه گفتمان‌گونگی^۳ می‌نامند. هر گفتمان تلاشی است برای تسلط بر حوزه گفتمان‌گونگی تا از این طریق جریان‌های مختلف را از بین ببرد و سازماندهی به وجود بیاورد (آهنگر، سلطانی و خوشخونزاد، ۱۳۹۳، ص ۳). به طور مثال در گفتمان لیبرال دموکراسی، مردم گره‌گاه یا دال مرکزی است که سایر نشانه‌هایی که با آن قرابت دارند، حول آن منظم می‌شوند. نشانه‌هایی از قبیل آزادی، حق شهروندی، مشارکت سیاسی و انتخابات، معنای خود را از طریق ارتباط خاص با مردم، به دست می‌آورند.

۲) گفتمان و شکل‌گیری هویت: لاکلا و موف به دنبال فهم امر اجتماعی هستند و برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی از ابزارهای گفتمانی بهره می‌گیرند. نظریه آنها برای تحلیل گفتمان‌های متن‌محور چندان سودمند نمی‌باشد. از نظر آن دو، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید گفتمانی باشد.

به عقیده لاکلا و موف، افراد و هویت‌های فردی براساس اصولی واحد در فرآیند گفتمانی واحدی سازماندهی شده‌اند. آنان از مفهوم سوژه برای فرد بهره می‌گیرند، اما نه

1. Articulation

2. Nodal point.

3. Field of discursivity.

بدین معنا که فرد سوژه مستقل و خودآیینی است. سوژه آنگونه که آلتوسر^۱ به کار می‌گیرد یعنی «فراخواندن»؛ افراد خواننده با قرار گرفتن در موقعیت‌های مشخص و در قالب هویت خاص فراخوانده می‌شوند و انتظارات خاصی از چنین فردی وجود دارد. اما سوژه چندپاره است، یعنی به یک شکل و صرفاً یک گفتمان در یک موقعیت واحد قرار نمی‌گیرد. گفتمان‌های مختلف، موقعیت‌های متعدد و متفاوتی به سوژه نسبت می‌دهند. رأی‌دهنده در موقعیت انتخابات، مدیر، پدر، عضو حزب و هویت‌های دیگر در سایر موقعیت‌ها که گاه در تعارض با یکدیگرند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص ۸۰-۷۸).

بدین ترتیب، هویت عبارت است از هم‌ذات‌پنداری با موقعیت سوژه در یک ساختار گفتمانی که به وسیله زنجیره‌های هم‌ارزی برساخته می‌شود. در زنجیره‌های هم‌ارزی نشانه در قالب زنجیره‌هایی در تقابل با سایر زنجیره‌ها دسته‌بندی و به یکدیگر مرتبط و به این ترتیب تعریف می‌شوند که سوژه چه چیزی هست و چه چیزی نیست (همان، ص ۸۴-۸۳).

از نظر لاکلا و موف هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید گفتمانی باشد. هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است، کسب می‌کند.

۶. مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت

جنبش انقلابی در ایران بر پایه منطق ارزشی کنش‌گران انقلابی، تغییرات عمیقی در ساختار پیشین ایجاد کرد و نظام سیاسی جدیدی را براساس گفتمان مسلط و مبتنی بر ارزش‌های دینی برپا کرد. تأسیس جمهوری اسلامی در ایران که هدف آن بازسازی جامعه براساس احکام شریعت بود، بر اندیشه‌های سیاسی معمار آن، امام خمینی، استوار شد. با مسلط شدن اسلام انقلابی، اسلام‌گرایان مرکز گفتمان خود را بازگشت به اسلام و بازیابی یا نوسازی هویت دینی قرار دادند. آنان برنامه‌رهایی از سلطه هژمونیک غرب را در دفاع از سنت‌های دینی جست‌وجو می‌کردند.

بدین ترتیب با برتری گفتمان امام خمینی به‌مثابه گفتمان انقلاب اسلامی، فضای

1. Louis Althusser

استعارای دهه نخست شکل گرفت. ایشان در مفصل‌بندی خود بر سنت‌های اسلامی تأکید کردند و در غیریت‌سازی با دشمنان اسلام و انقلاب، مبارزه با منافقان و مستکبران را سرلوحه اهداف انقلاب قرار دادند. مبارزه که در سنت اسلامی، جهاد نامیده می‌شود، به‌مثابه مفهومی برجسته در گفتمان انقلاب اسلامی بازتولید شد. ایثار و از خودگذشتگی مهم‌ترین جنبه جهاد اسلامی است که با مفاهیم مرکزی همچون شهادت پیوند دارد.

در تفکر اسلامی، «شهادت» به معنای گذشتن از سرمایه و هستی خود در راه هدف و آرمان‌های الهی است. شهادت را می‌توان کامل‌ترین جلوه ایثار دانست. همین وجوه ایثارگرانه و آگاهانه در رفتار شهید است که مقام وجودی او را برتری و تعالی می‌بخشد. حضور و سلوک و ایثار شهیدان و ایثارگران و مجاهدان، نه فقط موجب کمال فردی و ارتقاء سعه وجودی ایشان می‌گردد، بلکه نقشی سازنده و شورآفرین و تعالی‌بخش و الهام‌دهنده و هدایت‌گر برای امت و دیگر مردمان دارد و موجب تغییر و تحول و رشد در سرشت و سرنوشت جوامع و امت‌ها نیز می‌گردد. شهادت یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مفاهیم در تحولات دوران مبارزات انقلابی بویژه دوران دفاع مقدس بود. مفهوم شهادت، بار روانی و ارزشی بسیار مهمی بر روحیه مبارزان و رزمندگان داشت. در واقع شهادت درون فراگفتمان اسلامی قابل صورت‌بندی است و تلاش می‌شود تا در دستگاه نظری تحلیل گفتمان لاکلا و موف به تحلیل این صورت‌بندی بپردازیم. پیش از آن نیز براساس رویکرد نظری ون دایک و وسنو به چگونگی تولید گفتمان شهادت خواهیم پرداخت.

۷. تحلیل گفتمان شهادت براساس مبانی وسنو و ون دایک

وسنو رویکرد عینی نسبت به گفتمان را در مطالعات خود مطرح می‌کند. در دیدگاه وی گفتمان تنها به عادات ذهنی درونی‌شده یا جهت‌گیری‌های ارزشی عام اطلاق نمی‌شود، بلکه گفتمان به‌مثابه پدیده‌ای که درون نمادهای همگانی و قابل مشاهده تجسم یافته است، در نظر گرفته می‌شود. این نمادها ایستا و فاقد صفات انسانی نیستند، بلکه در جریان کنش انسانی خلق می‌شوند و به روابط افراد و جامعه شکل می‌بخشند. این‌جاست که گفته می‌شود شهادت یک کنش انسانی است که در نتیجه فعالیت کنش‌گر انسانی و درون نهادهای فرهنگی به یک نظام گفتمانی تبدیل می‌شود. در چارچوب گفتمانی ون دایک و وسنو، علاوه بر زمینه‌های اجتماعی تولید گفتمان، تولیدکنندگان واقعی یا نظریه‌پردازان،

عاملان اصلی بازنمایی گفتمان هستند. آنان با بهره گرفتن از کنش‌های گفتمانی که محیط اجتماعی در اختیارشان قرار می‌دهد، به تولید گفتمان می‌پردازند.

۸. تولیدکنندگان گفتمان ایثار و شهادت

بی‌گمان اندیشمندان و کنشگران بسیاری درباره ایثار و فداکاری و جهاد و شهادت سخن گفته‌اند، اما به نظر می‌رسد در دوران کنونی هیچ‌کدام به اندازه امام خمینی به عنوان اصلی‌ترین شخصیت تولیدکننده گفتمان ایثار و شهادت تأثیرگذار نبوده‌اند. این مفاهیم مربوط به عصر پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) بوده و اغلب از دسترس مردم خارج بوده‌اند. امام خمینی با امروزی ساختن این مفاهیم و تولید و بازنمایی گفتمان ایثار و شهادت آن را در دسترس عموم قرار دادند. با تولید این گفتمان از سوی ایشان، اکنون و در زمان حاضر، هر کس می‌تواند در راه خدا قیام کند و به فیض شهادت برسد. در گفتمان جدید مفاهیم بازسازی و بازتولید شده‌اند و دیگر این مفاهیم به دوران گذشته تعلق ندارند. به طور مثال در این گفتمان شاه در موقعیت یزید قرار می‌گیرد و مبارزان و انقلابیون به موقعیت اصحاب امام حسین (ع) انتقال می‌یابند. بنابراین، آنان در مبارزه با یزید زمان، از خود ایثار و فداکاری نشان داده و در راه خدا از جان و مال خویش می‌گذرند و ممکن است به شهادت نائل آیند.

امام خمینی می‌فرماید: «سیدالشهداء - سلام الله علیه - وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری، در بین مردم دارد، حکومت می‌کند ... ظلم دارد به مردم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند ... باید قیام بکند و خونش را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این عَلم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد و تمام شد. خونش را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه چیزهای خودش را داد در راه، برای اسلام مگر خون ما رنگین‌تر از خون سیدالشهداست؟» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۵۲-۱۵۱).

سپس ایشان این مفاهیم را برای هرگونه مبارزه برای قسط و عدل اسلامی و جاری ساختن احکام اسلام و در مقابله با ظالمان و مستکبران به کار بستند و آن را فضیلتی برشماردند که پیامدش جز حیات طیبه نخواهد بود:

«ملتی که برای اقامه عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست

جنایتکاران ابرقدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است، خود را برای شهادت و شهید دادن آماده نموده است ... مگر شهادت ارثی نیست که از موالیان ما که حیات را عقیده و جهاد می‌دانستند و در راه مکتب پرافتخار اسلام با خون خود و جوانان عزیز خود از آن پاسداری می‌کردند به ملت شهیدپرور ما رسیده است؟ ... مگر ما پیروان پاکان سرباخته در راه هدف نیستیم که از شهادت عزیزان خود به دل تردیدی راه دهیم؟ مگر دشمن قدرت آن دارد که با جنایت خود مکارم و ارزش‌های انسانی شهیدان عزیز ما را از آنان سلب کند؟» (همان، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۱).

به این ترتیب امام خمینی با بازتولید گفتمان شهادت، آن را هدیه‌ای از سوی خداوند برای کسانی که لایق آن هستند، توصیف کرد. کسانی که بنیان‌های انسانی را بر رویکردهای سودانگار مبتنی بر محاسبه عقلانی هزینه - فایده قرار نمی‌دهند و در پی دستیابی به مقام ربوبی هستند.

«از شهیدان ارجمندی که خداوند تعالی در شأن آنان کلمه بزرگ «أَحْيَاءَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» را فرموده است، بشری قاصر مثل من چه تواند گفت. آیا بار یافتن نزد خداوند و ضیافت مقام ربوبی از آنان را می‌توان با قلم و بیان و گفت و شنود توضیح داد؟ آیا این همان مقام «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» نیست که حدیث شریف بر سید شهیدان و سرور مظلومان منطبق نموده است؟ «... يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» (همان، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۱۳۵).

شهید مطهری از جمله شخصیت‌های فکری انقلاب اسلامی است که به شرح و بسط گفتمان ایثار و شهادت با تأسی به مبانی فکری امام خمینی پرداخت. وی در توضیح و تشریح مفهوم شهادت چنین می‌گوید: «شهادت دو رکن دارد: یکی این که در راه خدا و فی سبیل الله باشد. دیگری این که آگاهانه صورت گرفته باشد. هدف مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید ... شهادت به حکم اینکه عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدس است و از هرگونه انگیزه‌ی خودگرایانه منزّه و مبراست، تحسین‌انگیز و افتخارآمیز است و عملی قهرمانانه تلقی می‌شود» (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۷۲-۷۰).

رویکرد اجتماعی شهید مطهری در تولید گفتمان شهادت تحت تأثیر محیط اجتماعی و سیاسی زمانه بوده است. وی در تفسیر اجتماعی خود، پیامدهای اجتماعی بیشماری برای

گفتمان شهادت قائل بود: «خون شهید هر قطره‌اش تبدیل به صدها قطره و هزارها قطره، بلکه به دریایی از خون می‌گردد و در پیکر اجتماع وارد می‌شود. شهادت تزریق خون به پیکر اجتماع است» (همان، ص ۸۷).

۹. مخاطبان گفتمان ایثار و شهادت

مطابق الگوی گفتمانی ون دایک، یکی از مؤلفه‌های اصلی تولید گفتمان، مخاطبان هستند. گفتمان‌ها در خلاء شکل نمی‌گیرند، بلکه در یک فضای تعاملی، ساخته و پرداخته می‌شوند. گفتمان ایثار و شهادت نیز به تدریج و در طی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و در یک روند تعاملی شکل گرفته است. به طور مثال مردم، همواره به عنوان مخاطبان اصلی گفتمان ایثار و شهادت مورد توجه بوده‌اند. همانگونه که رهبران انقلاب بویژه امام خمینی در پیام‌های متعددی مردم عادی را مخاطب خود قرار داده و آنان را به عنوان صاحبان اصلی دولت و کشور به صبر و ایثار و جهاد فراخوانده است. در عین حال ایشان با توجه به اهمیت جایگاه نخبگان به عنوان نیروهای فکری و مؤثر در جامعه‌پذیری، آنان را از دو جهت مورد خطاب قرار داده است. نخست آن‌که خود معتقد و عامل به فرهنگ ایثار و شهادت بوده و درون این گفتمان زیست کنند و دیگر آن‌که در تبیین و ترویج این گفتمان اهتمام داشته باشند. به طور مثال امام خمینی در پیام‌های مکرر خود به روحانیون، آنان را به ایثار و مجاهدت و قیام در راه خدا فراخوانده است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۲ - ۲۳).

از دیگر مخاطبان گفتمان شهادت، روشنفکران و دانشگاهیان بوده‌اند. امام خمینی بارها در دیدارهای خود با دانشگاهیان از فرهنگ ایثار و شهادت سخن به میان آورده است. بیانات ایشان چنان مؤثر بوده که در دوران دفاع مقدس بسیاری از دانشگاهیان در قالب رزمندگان و ایثارگران از کنشگران مؤثر در جهاد علیه متجاوزان بشمار می‌آمدند. علاوه بر امام خمینی سایر تولیدکنندگان گفتمان ایثار و شهادت، از جمله شهید مطهری و دکتر شریعتی حضور تاریخی در دانشگاه‌ها داشتند و بسیاری از جوانان دانشگاهی و اساتید و دیگر دانشگاهیان و روشنفکران را با این گفتمان آشنا ساختند.

۱۰. منابع تولید گفتمان ایثار و شهادت

فرایند تولید گفتمان‌ها به وجود منابع کافی و زمینه‌های اجتماعی مناسب نیازمند است.

این منابع می‌تواند ارزش‌های سیاسی یا فرهنگی باشد. فناوری‌های ارتباطی جدید اگرچه منبع مستقلی نمی‌باشند، اما در انتقال این ارزش‌ها و گاهی در معناسازی‌ها مؤثرند، به‌گونه‌ای که در سوگیری‌های ارزش‌ها دخالت می‌کنند. به دلیل اهمیت منابع فرهنگی گفتمان ایثار و شهادت به آنها اشاره خواهیم داشت:

نخست. آموزه‌های مذهبی شامل تعالیم قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین و مقدس‌ترین منبع اعتقادی و ارزشی تأثیرگذار بر نگرش و بینش و کنش مسلمان است. قرآن مجید پایه و مایه اصلی و منطق گفتمان مجاهدان و شهیدان بوده است. آنان یکی از دلایل اصلی حضور خود در میدان‌های رزم را اعتقاد به آیات قرآن و الهام از آن می‌دانند. امام خمینی در فرازی از بیانات خود به این حقیقت اشاره می‌کند. از نظر ایشان شهادت به معنای بازگشت به خداوند است و عنصر محرکه نهضت انقلابی بوده و باعث منسجم‌تر شدن هرچه بیشتر مردم می‌شود: «منطق ملت ما، منطق مؤمنین، منطق قرآن است، «انا لله و انا الیه راجعون». با این منطق، هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابله کند ... آن‌که شهادت را در آغوش، همچون عزیزی می‌پذیرد، آن کوردلان نمی‌توانند مقابله کنند ... در هر موقعی که ما شهید دادیم، ملت ما منسجم‌تر شد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۳۴).

در میان آموزه‌های مذهبی برای تولید گفتمان ایثار و شهادت، تمسک به سیره و سنت معصومین نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. همانگونه که امام خمینی بارها به روایات استناد کرده است. در کنار آموزه‌های دینی، رخدادهای مذهبی منبع عظیمی برای گفتمان‌سازی بشمار می‌آیند. حادثه عاشورای سال ۶۱ هجری که طی آن امام حسین (ع) و یاران وفادارش با هدف اصلاح امت به مقابله با یزید برخاستند و به شهادت رسیده و عده‌ای نیز جانباز و اسیر شدند، چنان پرشور در تمامی مجالس، منابر و مساجد بارها درون گفتمان ایثار و شهادت، مورد استفاده سخنرانان و واعظان دینی قرار گرفته است. شبیه‌سازی‌های امام خمینی از رخدادهای انقلاب با قیام کربلا مؤید بهره‌گیری از ظرفیت‌های این گفتمان است: «ملت ایران در این فاجعه بزرگ، ۷۲ تن بی‌گناه به عدد شهدای کربلا از دست داد» (همان، ص ۲).

۱.۱. کنش‌های ناشی از گفتمان ایثار و شهادت

به گونه‌های مختلفی از کنش‌های ناشی از گفتمان ایثار و شهادت می‌توان اشاره کرد. کنش‌های سیاسی ناشی از این گفتمان به صورت تظاهرات و مبارزه علیه نظام‌های ظالم تا

مقاومت و جهاد علیه نظام‌های استکباری و سلطه‌جو، از وجوه بارزی است که پیشینه‌ای دراز دارد.

در عین حال می‌توان به گونه‌های فرهنگی در کنش‌های ناشی از این گفتمان نیز اشاره کرد. این دسته از کنش‌ها زمینه‌ساز کنش‌های سیاسی هستند و به طور عمده توسط نخبگان دینی و روشنفکری انجام می‌شوند. به تعبیر دیگر کنش‌های فرهنگی وجه معنابخشی برای کنشگران سیاسی می‌باشند. بدین ترتیب نه تنها اهداف و انگیزه برای کنشگران را تبیین می‌سازند، بلکه آرمان‌ها و شیوه کنش را نیز بیان می‌کنند.

۱۲. تحلیل گفتمان شهادت براساس نظریه لاکلا و موف

دستگاه نظری تحلیل گفتمان لاکلا و موف زنجیره‌ای از مفاهیم را در یک مفصل‌بندی چنان در کنار هم قرار می‌دهد که نه تنها درک و تبیین مفهوم اصلی امکان‌پذیر می‌شود، بلکه یک صورت‌بندی از مفاهیم هم‌ارز و غیریت‌های آنان بدست می‌دهد.

۱-۱۲. دال مرکزی؛ حیات جاودانه

در اندیشه اسلامی، مرگ در حالت طبیعی نیز نوعی «توفی» معنی می‌شود. قرآن کریم درباره ماهیت مرگ، از کلمه «توفی» بهره برده و مرگ را توفی خوانده است. هرگاه کسی چیزی را به کمال و تمام و بدون کسر دریافت می‌کرد، در زبان عربی کلمه توفی را به کار می‌بردند. مرگ از نظر قرآن، تحویل گرفتن است، یعنی انسان در حین مرگ، با تمام شخصیت و واقعیتش به مأموران الهی تحویل می‌شود و آنها انسان را دریافت می‌کنند. بر این اساس، نحوه نگرش رزمندگان و شهداء به مرگ، حول مفهوم توفی صورت‌بندی می‌شود.

از سوی دیگر باید به کیفیت مرگ نیز توجه داشت. چنانچه در قرآن نیز به این موضوع اشاره شده است: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياءٌ عند ربهم یرزقون» (آل عمران، ۱۶۹)، «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

چنین مرگی که در راه خدا باشد، دیگر مرگ نیست، بلکه کمال انسانی است و برای دستیابی به چنین جایگاهی، هر انسانی در هر کارزاری حضور می‌یابد و برای آرامش دیگران از خود می‌گذرد، عاشقانه می‌سوزد دیگر ترسی به دل راه نمی‌دهد و آنچه حاصل

می‌شود، قدرت فزاینده‌ای است که یک جامعه را به سعادت نزدیک می‌سازد. این باور در وصیت‌نامه اغلب رزمندگان بازتاب داشته است: «مرگ نیستی و نابودی و فنا نیست، انتقال از عالمی به عالم دیگر است و حیات انسان به گونه‌های دیگر ادامه می‌یابد. «حسین(ع) جان! تو می‌دانی که ما هم از مرگ باکی نداریم و مرگ در نظر ما هم مرگ نیست، فنای جسم است و آغاز هستی» (متقی و کریمی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲).

۱۲-۲. دال شناور؛ ایثار

از جمله مفاهیم گفتمانی که در دوران دفاع مقدس برجسته‌سازی شد، دال شناور ایثار بود. دال ایثار درون گفتمان اسلامی دارای نقش به‌سزایی در صورت‌بندی گفتمان شهادت است. با نگاهی به چگونگی تکثیر این دال در دوران جنگ مشخص می‌شود برای درکی صحیح از چگونگی تثبیت این دال، باید به ریشه‌های تکثیر آن در زمان انقلاب اسلامی نیز پی برد. از این‌رو، واکاوی زبان‌شناسانه و نگاهی تبارشناسانه به این مفهوم در دوران انقلاب و جنگ، ما را برای درک صحیح چگونگی تکثیر این دال یاری خواهد داد.

در لغت‌نامه دهخدا تعاریف زیادی برای ایثار آمده است: «ایثار، برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن، برگزیدن یعنی منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن و این کمال درجه سخاوت است. دیگری را در رساندن به منفعت و دفع مضرت بر خود مقدم داشتن و آن نهایت برادری است. عطا کردن، عیش کردن، در پارسی برگزیدگی، ترجیح بخشش، عطا» (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۳۱۶۶). ایثار در فرهنگ عمید (ذیل واژه) به معنای «دیگری را بر خود برتری دادن و سود او را بر سود خود مقدم داشتن، قوت لازم و مایحتاج خود را به دیگری بخشیدن» آمده است (عمید، ۱۳۶۳، ص ۳۲۱). به بیان دیگر، ایثار به معنی بذل کردن، دیگری را بر خود برتری دادن، سود دیگری را بر سود خود مقدم داشتن، و به معنی قوت لازم و مایحتاج خود را به دیگری بخشیدن، است.

«ثار» در آموزه‌های اسلامی به کسی اطلاق می‌شود که فقط و فقط در راه خداوند و در هنگام جهاد در راه او کشته می‌شود و این عمل کشته شدن در راه خداوند، ایثار نام می‌گیرد. همچنین کسی که در راه خدا کشته می‌شود و «ثار الله» لقب می‌گیرد. در حماسه عاشورا و قیام امام حسین(ع) وصف «ثارالله» عالی‌ترین تعبیر و مضمون در مورد عالی‌ترین کنش ممکن انسان، یعنی نبرد حق با باطل به کار رفته است (متقی و کریمی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵). این تمثیل را در وصیت‌نامه بسیاری از شهداء می‌توان سراغ گرفت. در واقع، شهید

همواره جاودانه است (دال مرکزی) و با خونفشان‌ی در طول تاریخ از طریق جهاد در راه خدا برای برقراری قسط، به تاریخ معنا می‌دهد و راه سرخ (ثارالله) را ادامه می‌دهد. «ما ملت ایران خیلی خون داده‌ایم که این انقلاب به پیروزی برسد ... نگذارید خون این شهیدان پایمال شود، ما هر چه خون بدهیم، انقلابمان پایدارتر می‌شود (همان).

۱۲-۳. زنجیره هم‌ارزی؛ جهاد، راه، حق، برقراری عدالت

در زنجیره‌های هم‌ارزی، هر نشانه یا دال شناور در قالب زنجیره‌هایی در تقابل با سایر زنجیره‌ها دسته‌بندی و به یکدیگر مرتبط می‌شوند و به این ترتیب نظام معنایی شکل می‌گیرد و در عین حال روشن می‌شود که سوژه چه چیزی است و چه چیزی نیست.

گفتمان شهادت از مجموعه نشانه‌هایی تشکیل شده است که نظام معنایی گفتمان شهادت را تعریف می‌کند. در این میان مفاهیمی چون «جهاد»، «راه»، «حق» و «برقراری عدالت» از مهم‌ترین مفاهیم در دسترس هستند که در کنار دال شناور «ایثار» به فهم گفتمان یاری می‌رسانند.

دال «جهاد» از دال‌های شناوری است که در دوران جنگ تحمیلی در ذهن رزمندگان در صورت‌بندی مفهوم شهادت، نقش به‌سزایی داشت. جهاد، که در دوران پیروزی انقلاب به صورت قیام بر ضد مستکبران و طاغوت‌ها صورت‌بندی شده بود، در دوران دفاع مقدس با الهام از زمینه‌های اجتماعی و شرایط سیاسی، رویکردی دفاعی یافته و به گونه‌ای متفاوت‌تر صورت‌بندی می‌شود. در زمان جنگ تحمیلی، قرائت خاصی از مفهوم جهاد در صورت‌بندی مفهوم شهادت شکل گرفت که این مفهوم را با مفاهیم «راه»، «حق» و «برقراری عدالت» پیوند زد.

در تفسیر المیزان کلمه «جهاد» به معنای بذل جهد و کوشش در دفع دشمن است و بیشتر بر مدافعه در جنگ اطلاق می‌گردد، اما گاهی به طور مجاز توسعه داده می‌شود، به طوری که شامل دفع هر چیزی می‌شود که ممکن است شرّی به آدمی برساند، مانند شیطان که آدمی را گمراه می‌کند و نفس اماره که آن نیز آدمی را به بدی‌ها امر می‌کند و امثال این‌ها. در نتیجه، جهاد شامل مخالفت با شیطان در وسوسه‌هایش و مخالفت با نفس در خواسته‌هایش می‌شود که رسول خدا(ص) این قسم جهاد را «جهاد اکبر» نامید (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۵۸۲).

۱۲-۴. هویت و غیریت

هویت درون گفتمان‌ها تولید می‌شود. از آنجا که گفتمان شهادت ذیل فراگفتمان دین اسلام و مبانی توحیدی آن شکل گرفته است، بی‌گمان فرایند هویت‌سازی نیز در همین زمینه بوجود خواهد آمد. از سوی دیگر میان هویت و غیریت پیوند وثیقی وجود دارد. با برجسته‌سازی مفاهیم اساسی گفتمان، هویت ساخته می‌شود و در مقابل «دگر»هایی که بیرون از آن هویت قرار دارند، طرد و به حاشیه رانده می‌شوند.

مفهوم جهاد از جمله مفاهیمی است که به نوعی با مرزبندی و غیریت تثبیت یافته و معانی متفاوتی، در ذهن یک رزمنده بازنمایی می‌شود. این برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی هم توسط تولیدکنندگان گفتمان و هم مخاطبان رزمنده و متأثر از متن اسلامی به چند صورت در وصیت‌نامه‌ها بازتولید می‌شود:

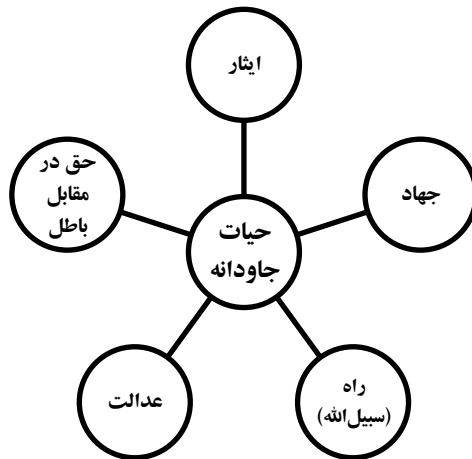
جهاد با تجاوزکاران: از این منظر، تجاوزگر کسی است که ظالمانه تعدی کرده، از جبهه باطل است و می‌خواهد به جبهه توحید آسیب برساند. بنابراین، باید با پیروی از متن قرآن و سیره اهل بیت (س) با آنان به مبارزه پرداخت. این نکته در متن وصیت‌نامه برخی شهداء بازتاب داشته است: «پیامبران در این راه فرزندان‌شان را فدا می‌کردند. خانواده‌شان را فدا می‌کردند، امام حسین (ع) همه هستی خودش را به میدان آورده، همه خانواده‌اش، زن، بچه، برادر، برادرزاده‌ها، خواهرش، دخترش، طفل شیرخوارش را به میدان آورد، این منتهای درسی بود که می‌خواست به ما شیعیان بدهد. درس بدهد که ای شیعه، نباید زیر بار ظلم بروی، تو نباید زیر بار ستم تجاوزکاران بروی (متقی و کریمی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷).

جهاد با مشرکان: مشرکان کسانی هستند که با شرک به وحدانیت خدا و با محور قرار دادن زندگی دنیایی در مقابل زندگی اخروی، سعی در نابودی وجهه و حیانی دنیا را دارند. بنابراین، باید جهاد اصغر (جهاد در راه خدا) با این مشرکان را فرصتی برای جاودانگی ابدی به حساب آورد و با سپر قرار دادن «تن» که همان امانت الهی است، از وحدانیت الله دفاع نمود.

جهاد با کافران: در اسلام، کافر به کسی گفته می‌شود که منکر خداست و موجودیت خداوند (خالق جهان) را انکار می‌کند. در واقع کافر یا بی‌دین به کسی گفته می‌شود که دارای دین بخصوصی نباشد. از این منظر، رزمنده در خلال جنگ در جبهه (مظلوم) تنها با یاری خدا توانسته در مقابل تمامی کفر صف‌بندی کند و ایستادگی نماید. تا آخرین نفس و

آخرین رمقی که به تن داریم، در سنگر رضای خدا خواهیم ماند و به دشمن زبون کافر خواهیم فهماند که ملتی که پشتیبانش خداست و پیشاپیش امام زمان در مقابل تمامی کفر خواهد ایستاد و انشاءالله پیروز خواهد شد (همان، ص ۱۳۸).

جهاد با منافقان: منافق واژه‌ای است قرآنی که از ماده «نفق» و «نفاق» گرفته شده و در لغت به معنی خارج شدن و تمام شدن بوده و در اصطلاح کسی است که در باطن کافر و در ظاهر مسلمان است. وجه تسمیه منافق از «نفق» به معنی نقب است که از راهی به دین وارد و از راه دیگری خارج می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۹۸): «نگذارید خون این شهیدان پایمال شود، ما هرچه خون بدهیم انقلابمان پایدارتر می‌شود، این آمریکای خائن با کمک منافقین دارند شاخ و برگ این نهال انقلاب را می‌ریزند؛ ما نباید بگذاریم که این ابرقدرت‌ها و واسطه‌های داخلی آنها به این انقلاب ضرر و زیان برسانند (متقی و کریمی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹).



نشانگان معنایی گفتمان شهادت

شکل ۱ - نشانگان معنایی گفتمان شهادت

۱۳. گفتمان شهادت و فرایند هویت‌سازی ملی

گفتمان ایثار و شهادت در فضای استعاری انقلاب اسلامی پدید آمد. از ویژگی‌های ممتاز انقلاب اسلامی، ابعاد معنوی و جنبه‌های فرهنگی آن است. در دوران جدید بسیاری از صاحب‌نظران از سازه‌انگاران تا تحلیل‌گفتمانی‌ها و معتقدان به سیاست فرهنگی برآنند

که تنها ابعاد مادی نمی‌تواند به بازنمایی علت کنش افراد بیانجامد، بلکه ابعاد معنوی نقش زیادی در شکل‌گیری رفتار در بین مردم دارد و این رفتار در یک فضای بین‌الذهانی شکل می‌گیرد و منجر به تعامل و واکنش از سوی کنشگر می‌شود.

مهم‌ترین دستاورد مطالعات اخیر در حوزه کنش انسانی تأکید اصولی بر اراده انسانی در تولید و بازتولید گفتمان‌ها است. اصلی‌ترین جنبه در اراده انسانی فضاهای ذهنی و درکی است که افراد از موقعیت خود و دیگری دارند. این نظام معنایی در یک زنجیره ارتباطی، زمینه ساخت هویت خود و دیگری، دوست و دشمن را فراهم می‌سازد.

۱۴. انقلاب اسلامی و شکل‌گیری گفتمان شهادت

انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی ماهیتی متفاوت از رویکردهای پوزیتیویستی داشت و این مسأله که این نهضت در چارچوب اسلام سیاسی قابل تفسیر است، مورد اذعان بسیاری از نویسندگان می‌باشد.

میشل فوکو فیلسوف فرانسوی با اشاره به متفاوت بودن خاستگاه انقلاب اسلامی و برجسته‌سازی قدرت نرم و جنبه‌های معنایی آن، می‌نویسد: «من قبول دارم از قرن هجدهم به بعد هر تحول اجتماعی که اتفاق افتاده است، بسط مدرنیته بوده، اما انقلاب ایران تنها حرکت اجتماعی است که در برابر مدرنیته قرار دارد» (حاجتی، ۱۳۸۱، ص ۴۱). به عبارتی روح حاکم بر انقلاب اسلامی که روحی دینی و خدایاورانه است، کاملاً متفاوت از روح مادی‌گرایانه و سکولاریستی مدرنیته، نظام‌های سیاسی برخاسته از آن و حتی انقلاب‌های شکل گرفته در این فضا می‌باشد.

فرایند هویت‌سازی نزد امام خمینی بر تعریف ایشان از اسلام سیاسی قرار دارد. یکی از عناصری که در گفتمان اسلام سیاسی برجسته بود، عنصر ایثار و شهادت است. ساخته شدن مفهوم شهادت و شهادت‌طلبی در پیوند با عواملی مانند ایمان، اخلاص، صبر، اعتقاد به حیات جاوید و عروج به مقام ربوبی و نیز رهنمودها و هدایت امام خمینی و سایر رهبران دینی شکل گرفت. در کنار آن، یک فضای بین‌الذهانی مشترک در بین مردم ایجاد شد که به تعاملی تنگاتنگ بین آنها بدل گردید، موقعیت حاصل شده، جنبه‌هایی از هویت ملی را شکل داد و اعضای جامعه مسلمان ایرانی درون این هویت زیست کردند و براساس آن به کنش پرداختند. امام خمینی شهادت را مظهر ایمان به غیب و هدیه خداوند

می‌دانستند و در این رابطه فرمودند: «ایمان است که شما را وادار می‌کند بروید و برای اسلام فداکاری کنید و ایمان است که مردم را در نبردها تا حد شهادت به پیش می‌برد، بدون هیچ‌گونه هراسی و تا وقتی ایمان را حفظ کنید، هرگز آسیب نخواهید دید (امام خمینی، ج ۱۶، ص ۲۷۲).

شهادت‌طلبی به عنوان نمادی از یک اعتقاد است که آن اعتقاد، هویت‌ساز بوده و آن را می‌توان جلوه‌ای از آن ماهیت ارزیابی کرد و آن را در هویت‌سازی تأثیرگذار دانست. با توجه به توضیحات ارائه شده در باب ماده و معنا در سازه‌انگاری باید گفت که شهادت‌طلبی به عنوان شاخصی فرامادی، فضای بین‌الذلهانی از مردم ایران در اوایل انقلاب و مخصوصاً برهه جنگ تحمیلی ایجاد کرد که منجر به تعامل بین آنها شد و همین امر سبب‌ساز شکل‌گیری مفهوم جدیدی از قدرت شد که این بار منافع خود را در تعامل با غرب نمی‌دید، بلکه آن را در تقابل با غرب و نظام سلطه و استکباری می‌دید.

۱۵. شیوه هویت‌سازی در جمهوری اسلامی

گام‌های نخست فرایند ملت‌سازی در ایران پیش از تأسیس دولت جمهوری اسلامی از سوی رهبران مذهبی انقلاب و با اقبال عمومی مردم آغاز شد. در یک توافق جمعی، رویکرد دینی از چنان ژرفایی برخوردار شد که هویت ملی مترادف هویت دینی قلمداد گردید و سایر ابعاد هویت، اجزای کم‌بهای آن به شمار آمد. بدین ترتیب «ایران اسلامی» مفهومی بسیار رایج در این دوران بوده است.

سازه‌های هویت بر اسلام شیعی که مهم‌ترین منبع ایجاد هم‌بستگی در جامعه ایرانی بود، استوار شد. سمیح فارسون می‌گوید: «جمهوری اسلامی در کنار امور سیاسی و اجتماعی، کنترل امور فرهنگی را نیز در دست گرفت و در پی سیاست‌گذاری یک فرهنگ سیاسی اسلامی بود. از این‌رو مفاهیمی چون طاغوتی، مستضعفین و شهادت را معرفی کرد و نیز اعمال سیاسی جدیدی چون برپایی نماز جمعه در کشور را رواج داد. این نظام هم‌چنین نهادهای سیاسی جدیدی در این جهت ایجاد کرد (فارسون، ۱۳۷۹، ص ۳۴).

بنابراین، فهم سازه‌های هویت در جمهوری اسلامی، مستلزم شناخت منابع مؤثر در تدوین هویت ایرانیان است. همه این منابع به یک اندازه تأثیر نداشته‌اند و سهم عوامل پیرامونی در افزایش یا کاهش این تأثیرات نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد.

شناخت منابع تأثیرگذار بر هویت، امکان تدوین شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری و سنجش هویت را فراهم می‌سازد. این امر علاوه بر آن‌که درک واقع‌بینانه‌تری از هویت جامعه ایرانی به دست می‌دهد و تجزیه و تحلیل آن را تسهیل می‌بخشد، ظرفیت‌های بیش‌تری برای مهندسی هویت فراهم می‌سازد.

بی‌گمان با توجه به ماهیت رمزآمیز و پیچیده هویت که بر بنیادهای فرهنگی استوار است - به ویژه در جوامع مبتنی بر داده‌ها و آموزه‌های دینی - رویکردهای تجربه‌گرا که بر داده‌های حسی و شناخت عینی مبتنی‌اند، قابل اتکاء نیستند. به نظر می‌رسد تلفیق میان پارادایم‌های مختلف، این امکان را فراهم می‌سازد تا علاوه بر کشف علت‌های اجتماعی، به درک معانی موجود نزد افراد نیز توجه شود. برای مثال در حالی که گریه کردن در دیدگاه تجربی مترادف افسردگی است، در میان شیعیان، گریه کردن در عزای شهدای کربلا که همواره با آن زندگی می‌کنند، عامل پویایی است. همین امر سبب می‌شود در جوامع مذهبی نظام‌های سیاسی گاه با کارکردهای نمادین خود بیش از کارکردهای توزیعی و استخراجی در رسیدن به اهداف موفق شوند. در تجربه جمهوری اسلامی، بهره‌گیری از نمادهای دینی توفیقات فزاینده‌ای برای نظام سیاسی و انسجام درونی جامعه فراهم ساخته است.

بدین ترتیب برای درک فرایند هویت‌سازی در جمهوری اسلامی، می‌توان به این منابع مراجعه کرد: قانون اساسی و سند چشم‌انداز، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های رهبران مذهبی و سیاسی، ایدئولوژی و مطالبات نیروهای اجتماعی، بیانیه‌های احزاب سیاسی و افکار عمومی، سایر منابع تولید فرهنگ و هویت مانند تاریخ، آداب و رسوم، قومیت و زبان، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه و کارکرد دستگاه‌ها و نهادهای مسئول و مؤثر در ساختن هویت، مانند نهادهای فرهنگی و آموزشی. در اینجا برخی از این منابع را شرح می‌دهیم:

۱۵-۱. قانون اساسی

قانون اساسی به عنوان اساسی‌ترین سند فزادستی نظام سیاسی برآمده از انقلاب و بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی، مهم‌ترین منبع فهم ایده‌ها و آرمان‌های تمدنی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. منطق ارزشی و نظام معنایی درون این قانون، نه تنها ترسیم قدرتمندی از هویت شهروند مسلمان ایرانی ارائه می‌دهد، بلکه به بازتولید نظم سیاسی اجتماعی جدیدی مبتنی بر همان «جامعه اسوه» همت می‌گمارد.

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این قانون را مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی معرفی می‌کند که بازتاب خواست قلبی «امت اسلامی» می‌باشد. ویژگی بنیادی آن را نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر «مکتبی و اسلامی بودن» اعلام می‌دارد. رسالت مکتبی این نهضت جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود، «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله عدوكم و آخرین من دونهم».^۱ در اصل ۱۵۱ قانون اساسی ذیل همین آیه دولت را موظف می‌سازد تا برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم آورد، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند.

در مقدمه قانون بارها از مبارزات ملت ایران و نهضت برپا شده در اوایل دهه چهل یاد می‌کند و استقلال و آزادی امت مسلمان ایران را حاصل خون‌بهای شهیدان اعلام می‌دارد. سپس از امت اسلامی می‌خواهد تا به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند، به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شاهدی بر همگی مردم جهان باشد، موفق گردند، «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا أُمَّةً وَسَطًا لِيَتَّكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (همان). همچنین اصول سیاست خارجی چنین ترسیم شده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است».^۲ همچنین در اصل ۱۵۴، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. در اصل ۱۷۶ که وظایف شورای عالی امنیت ملی را برمی‌شمارد، به بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی اشاره دارد.^۳

۱. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. قانون اساسی، اصل ۱۵۲.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۱۵-۲. سند چشم‌انداز بیست ساله

«چشم‌انداز عبارت است از ارائه یک تصویر مطلوب و آرمان‌های قابل دستیابی که منظر و دورنمایی در افق بلند مدت، فراروی مدیریت عمومی جامعه قرار می‌دهد و دارای ویژگی‌های جامع‌نگری، آینده‌نگری، ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی است ... که با در نظر گرفتن سه عامل کلیدی تعیین‌کننده، شامل نیات استراتژیک، قابلیت‌های اساسی کشور و آرمان‌ها و منابع یک ملت طراحی می‌شود (رضایی میرقائد و مبینی دهکردی، ۱۳۸۵، ص ۶۵).

آرمان‌ها و ارزش‌ها مهم‌ترین جنبه سند چشم‌انداز است که فلسفه وجودی یک جامعه انسانی را تبیین می‌کند. آرمان‌ها، آمال و آرزوهای هر ملتی است که متأثر از یک نظام اعتقادی و شامل ارزش‌های انسانی می‌باشد و از پویایی و پایایی برخوردار است. هدف اصلی در سند چشم‌انداز «تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی» جمهوری اسلامی قید شده می‌باشد. این سند برای حرکت در مسیر یاد شده طراحی و تدوین شده است. آرمان واسطه‌ای در این راه، توسعه‌یافتگی جمهوری اسلامی بیان شده و شرایط اصلی این توسعه‌یافتگی، الهام‌بخش بودن در جهان اسلام و برخورداری کشور توسعه‌یافته جمهوری اسلامی ایران از هویت اسلامی و انقلابی در کنار برخورداری از تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی است (خوش‌چهره و نیک‌بخش حبیبی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۶-۲۳۵).

در عین حال این سند انتظار دارد اعضای جامعه ایرانی از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند: «فعال، مسؤولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن».^۱ بدین ترتیب این سند ایثارگر بودن را جزء اساسی تربیت شهروند جامعه آرمانی برمی‌شمارد.

۱۵-۳. رهبران مذهبی و سیاسی

سخن گفتن از حکومت اسلامی که در رأس آن مجتهدی برجسته قرار دارد و اهداف دینی را دنبال می‌کند، الزاماً ما را به جایگاه نهاد روحانیت در ساخت سیاسی رهنمون می‌سازد. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، پس از انقلاب، روحانیت بخشی از ساختار

۱. متن سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران.

حکومت به شمار می‌آمد. البته درباره رابطه روحانیت و دولت و استقلال این نهاد بحث‌های فراوانی شده است.

روحانیون به منزله مهم‌ترین مدافعان انقلاب اسلامی تأثیر به‌سزایی بر اخلاقی کردن حیات سیاسی کشور برجای گذاشته‌اند و همین امر جایگاه ویژه‌ای را برای آنان در دولت اخلاقی فراهم ساخت. در یکی از رهنمودهای امام خمینی به این جایگاه اشاره شده است:

«علمای اعلام و ائمه جماعات و خطبای محترم بر حجم ارشاد و رهنمودهای خود بیفزایند و قشرهای میلیونی مردم را متوجه طرق نگهبانی از اسلام و احکام مقدسه آن و حراست از جمهوری اسلامی نمایند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۳۳۸).

افزون بر موارد پیش‌گفته، یکی از منابعی که به گفتمان‌سازی و شکل‌گیری هویت ملی یاری رسانده است، علمای دینی هستند. آنان بویژه با بهره‌گیری از منابر و مناسک مذهبی و با استفاده از توانایی‌های نمادین مذهبی بویژه قیام کربلا، نقش بسزایی در فرایند هویت‌سازی ملی داشته‌اند.

۱۵-۴. نهادهای متولی فرهنگ و آموزش

در بحث‌های مربوط به جامعه‌پذیری، جایگاه آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پروژه ملت‌سازی که در ایران معاصر نخستین گام ناکام آن با «اصلاحات امیرکبیر» برداشته شد و در دوره رضاشاه به اوج رسید، به‌ویژه برای نهادهای نوین‌آزمایش مدرن، محوریت قائل بود. در دوران پهلوی، پروژه ملت‌سازی با مدل کلاسیک آن یعنی پدید آوردن ملت یک پارچه از راه برنامه‌ریزی و اجرای آن به دست دولتی که خود را نماینده تام و تمام ملت می‌داند، برای ساختن «ایران نوین» با الگوی اروپایی آغاز شد. ایدئولوژی تشکیل دولت - ملت مدرن در این دوران، اقتباسی بود از ناسیونالیسم اروپایی. این ایدئولوژی از موجودیت یکپارچه‌ای به نام «ملت ایران» سخن می‌راند و نشانه‌های آن را زبان و فرهنگ یگانه و در کل هویتی یگانه در تاریخی یگانه و دیرینه می‌دانست. این کوشش از راه ساختار دولت یگانه و آموزش و پرورش سراسری ملی دنبال می‌شد. علت ناکامی این پروژه، نبود «اراده ملی» و ناهم‌سازی‌های فرهنگی میان آرمان‌های ایدئولوژیک دولت و ارزش‌های فرهنگی درون جامعه بود (آشوری، ۱۳۸۴).

جایگزینی دولت انقلابی در ایران که ایدئولوژی و آرمانی دینی داشت، به تغییرات

گسترده‌ای در نظام آموزشی منجر شد. منابع آموزشی و شیوه‌های رفتاری در مدارس دگرگون شد. روایت‌های رسمی آموزش تاریخ ملی که در گذشته بر پایه ناسیونالیسم ایرانی مدون شده بود، اکنون به جنبش‌های دینی و ضد استعماری و استبدادی پرداخته و اهمیت کارکردهای فرهنگی نیروهای اجتماعی را برجسته ساخته است.

سیاست آموزشی حکومت اسلامی، تربیت نسل جدیدی از انسان‌های متعهد است که خود را پایبند شعارهای اساسی حکومت اسلامی می‌دانند. دولت با تغییراتی که در نظام آموزشی و محتوای کتب درسی به وجود آورد، درصدد برآمد، برداشت‌های مغایر با ارزش‌های دینی را تغییر دهد و با دروسی که در برنامه‌های درسی مدارس گنجانده، دانش‌آموزان در جهتی هدایت شدند که پذیرای ارزش‌های متعالی اسلامی باشند.

جوانان از گروه‌های حساس اجتماعی‌اند که به دلیل قرار گرفتن در مسیر تحول و تغییرات گسترده هویتی، بیش از دیگران دارای اهمیت‌اند. از سوی دیگر، جمعیت جوان جامعه ایران به لحاظ کمی نیز تأثیر بیش‌تری در تعیین هویت ملی دارد. به همین دلیل آنان بیش از سایر بخش‌های اجتماعی در معرض تغییرات هویتی قرار دارند. بررسی اهداف پرورشی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و منشور تربیتی نسل جوان (مصوب سازمان ملی جوانان) نشان می‌دهد که یکی از آرمان‌های این انقلاب، تربیت نسلی معتقد به مبانی، عامل به احکام و آداب الهی و برخوردار از سجایا و فضایل اخلاقی است. در این منشور همچنان به شهادت به عنوان امر اعتقادی نگریسته می‌شود و از دانش‌آموز انتظار می‌رود ضمن داشتن روحیه جهادگری، شهادت را سعادت بداند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳، ص ۴۲-۴۲).

۱۵-۵. نیروهای اجتماعی

قدرت اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که گروهی از افراد توانایی لازم برای تغییر شیوه عمل افراد یا گروه‌های دیگر در جهت خواسته‌های خود را داشته باشند، از این طریق نیروهای اجتماعی نه تنها بر وضع قوانین و تنظیم سیاست‌ها و سایر کنش‌های سیاسی دولت تأثیر می‌گذارند، بلکه با پدید آوردن جنبش‌های اجتماعی به توزیع ارزش‌های هویتی جدیدی اقدام یا ارزش‌های هویتی پیشین را تقویت می‌کنند. این امر از طریق سازوکارهای پیدا و پنهان و گاهی بسیار پیچیده صورت می‌گیرد. در میان نیروهای اجتماعی - غیر از روحانیت که بدان پرداخته شد- روشنفکران از جریان‌های مهم هویت‌سازی در جامعه

ایران به شمار می‌آیند.

به طور کلی، طبق تعابیر گوناگون، روشنفکران کسانی‌اند که از چارچوب‌های سنتی در هر زمینه فراتر می‌روند، ارزش‌های جدید ایجاد می‌کنند یا به ارزش‌های قدیم جامعه‌ای نو می‌پوشانند، دستگاه‌های فکری جدیدی برای تبیین وجوه مختلف زندگی عرضه می‌کنند، با به‌کارگیری اندیشه و قدرت انتقادی به حل مسائل و مشکلات علمی می‌پردازند، به فلسفه‌های جدیدی برای زیستن می‌پردازند، از وضع موجود اجتماعی و سیاسی انتقاد می‌کنند و به طور خلاصه از چنبر چارچوب‌های رایج در اندیشه، فرهنگ، علم و هنر بیرون می‌روند (بشیریه، ۱۳۷۶، ص ۲۴۷).

روشنفکران به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاصی مانند تعقل و تفکر در امور جامعه و سیاست و عرضه شیوه‌های جدید برای زندگی، آگاهی از منازعات و کشمکش‌ها در جامعه بر سر قدرت سیاسی، توان خلق فرهنگ و انتقال آن و آفرینش هویت جدید برای جامعه متحول با آن جامعه و ارزش‌های درون آن پیوند برقرار می‌سازند. در این میان، روشنفکران ایرانی مسأله اصلی زمان را «بازسازی هویت ایرانی» به منزله ضرورتی تاریخی و جامعه‌شناسانه تلقی کرده‌اند.

آنچه موقعیت روشنفکران را در فرایند هویت‌سازی در میان نیروهای اجتماعی تقویت می‌کند، این است که نهادهای مدرنی چون مراکز دانشگاهی و بخش درخور توجهی از حوزه‌های فرهنگی، توزیع‌کننده ارزش‌های روشنفکری‌اند، از سوی دیگر به دلیل خصلت‌های انتقادی روشنفکران، احزاب و گروه‌های سیاسی از اندیشه‌های آنان بهره می‌گیرند و توده مردم نیز در شرایط نارضایتی از آنان حمایت می‌کنند.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که فرایند هویت‌سازی ملی در دوران پس از انقلاب به‌طور عمیقی تحت تأثیر نظام سیاسی و نیروهای اجتماعی و در جهان فرهنگی اسلام سیاسی قرار داشته است. یکی از سازه‌های اصلی این جهان فرهنگی، ایثار و شهادت می‌باشد که درون گفتمان مسلطی توانسته است هویت ملی قدرتمندی را خلق کند.

۱۶. گفتمان شهادت و ساخت هویت مقاومت

هویت و غیریت دو جنبه اساسی در تحلیل گفتمان می‌باشد. اما این‌که غیریت و دیگر بودن به چه معناست؟ پرسشی است که نیازمند پاسخ است. آیا «دیگری» الزاماً باید طرد و

به حاشیه رانده شود و یا این که می تواند دوست و هم‌نوا باشد؟ گفتمان شهادت چه نوع مواجهه‌ای با «دیگری» خود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش از سه گانه ایمانوئل کاستلز می‌توان بهره برد.

از آنجا که وی معتقد است برساختن اجتماعی هویت، همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد، به سه صورت و منشاء برساختن هویت اشاره می‌کند و میان آنها تمایز قائل می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲۴، ص ۲):

یکی هویت مشروعیت‌بخش که توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آنها را بر کنشگران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کند. در واقع صاحبان این هویت در زنجیره هم‌ارزی قرار می‌گیرند و «دیگری» تلقی نمی‌شوند.

دوم هویت برنامه‌دار، هنگامی که کنشگران اجتماعی در تلاش هستند تا هویت جدیدی برای خود بسازند که کل موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی از طریق برنامه‌های اصلاحی می‌باشند.

سوم هویت مقاومت، این هویت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در شرایطی قرار دارند که از طرف منطبق سلطه بی‌ارزش دانسته و به حاشیه رانده می‌شوند. این نوع هویت‌سازی از طریق برپایی جماعت‌ها و یا اجتماعات، شکل‌هایی از مقاومت در برابر ستم را ایجاد می‌کند. این جمعیت‌ها متکی به داعیه‌های مذهبی یا ملی‌گرایانه می‌کوشند گفتمان ستم‌پیشه را واژگون سازند. این همان عنصری است که در گفتمان جهاد و شهادت برجسته است.

شهادت‌طلبی، تحول در محیط ادراکی - شناختی و نیز تغییر در محیط عینی و عملیاتی را در پی دارد. به گونه‌ای که این دو محیط با یکدیگر سازگاری و انطباق پیدا می‌کنند. محصول چنین انطباقی هم‌زیستی معنادار میان اعضای جامعه، شکل‌گیری کنش‌های مبتنی بر هویت و انسجام میان روحيات فردی و واقعیات اجتماعی می‌باشد. از دید سازه‌انگاران، هویت‌های بالقوه بخشی از رویه‌های سازنده دولت بوده و بنابراین، مولد کنش‌های آنها در داخل و خارج هستند. هویت‌ها، به هر دولت برداشت‌هایی از دیگر دولت‌ها، سرشت، انگیزه، منافع و نقش‌هایشان در هر بافت سیاسی مشخص می‌دهد (بیلیس و همکاران، ۱۳۷۳، ص ۲۰۵).

بنابراین، می‌توان گفت هر یک از دولت‌ها براساس هویت‌های متفاوت از دیگر

دولت‌ها، رفتار متفاوتی دارند و الگوهای متفاوتی از رفتار شکل می‌گیرد؛ به مثابه آن رفتاری که بعد از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی از سوی کشورهای غربی دیدیم که با توجه به ماهیت دینی حکومت ایران و هویت دینی منبعث شده از اسلام، منافعشان در تعارض با ایران قرار گرفت و لذا درصدد رفع این خطر برآمدند. جمهوری اسلامی ایران هم با توجه به قطعی شدن این نکته که غرب و آمریکا در زمره دشمنان قرار دارند، راه خود را از این کشورها جدا کرد. از این پس بخشی از هویت ایرانیان که براساس ارزش‌های دینی شکل گرفت، به طرد و غیریت‌سازی استکبار و ظالمان انجامید و هویت مقاومت در برابر آنان پی‌ریزی شد.

۱۷. نتیجه‌گیری

با ظهور انقلاب و بویژه در دوران جنگ تحمیلی، فرهنگ شهادت وارد گفتمان جامعه ایرانی شد. فرهنگی که در رأس آن، توجه و اتصال به خداوند قرار داشت. شهادت‌طلبی از فرهنگ عاشورا تأسی داشت، تا جامعه ایرانی با یادآوری واقعه کربلا به انسجام هویتی خود پرداخته و به مقابله با دشمن بیرونی پردازند. در این رابطه امام خمینی می‌فرماید:

«دشمنان ما گمان می‌کردند با توطئه‌های فرسایشی می‌توانند نهضت اسلامی و انقلاب این ملت را به سردی و سستی سوق دهند، غافل از آنکه قیامی که برای خداست و نهضتی که براساس معنویت و عقیده است، عقب‌نشینی نخواهد کرد. ملت ایران اکنون به شهادت و فداکاری خو گرفته است و از هیچ دشمنی و هیچ قدرتی و هیچ توطئه‌ای هراس ندارد. هراس را کسی دارد که شهادت، مکتب او نیست (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۴-۱۱).

بدون تردید، فرهنگ شهادت‌طلبی نه تنها برخلاف موازین انسانی و انسان دوستی نیست، بلکه از سر جوانمردی و پاسداری از این ارزش‌ها است. فرهنگ شهادت‌طلبی برای احیای معنویت در جامعه‌ای است که توجه به مسائل اخلاقی و معنوی از آن رخت بر بسته است ... «در راه خدا رفتن شهادت است و سرافرازی و تحصیل شرافت برای انسان و انسان‌ها» (همان، ج ۱۳، ص ۶۵).

شهادت‌طلبی و روح معنویت‌گرایی منجر به این شد تا هویت جدیدی در بین مردم ایران شکل بگیرد که مبنای آن، ایمان به خدا و ارزش‌های اسلامی بود و در این راستا، مادیات کمتر نمود و بروز پیدا می‌کردند. حتی در زمان جنگ تحمیلی نیز قدرت را از

موضع سلاح و ابزار و بعد سخت‌افزاری نمی‌دیدند و هیچ ترس و واهمه‌ای نیز از آن نداشتند، بلکه قدرت را در تقرب و نزدیکی به خدا و اتکاء به او و ایمان قلبی می‌دیدند. شهادت‌طلبی عاملی شد تا مردم، اذهان خود را از مادیات جدا کرده و به سمت معنویت گام بردارند و تعریف جدیدی از قدرت در بعد نرم‌افزاری آن ارائه دهند و با نوع عمل و کنش خود ساختار جدیدی را به وجود آوردند که مادیات و عناصر دنیوی را در آن قالب تعریف و تفسیر می‌نمودند. «جیمز بیل»^۱ در مقاله‌ای با اشاره به بحث شهادت‌طلبی می‌نویسد: «خمیرمایه روحیه بالا که پشتوانه تلاش‌های جنگی ایران است، در مفهوم شهادت‌طلبی نهفته است» (بیل، ۱۳۶۷، ص ۴۲۰).

آن‌چه بیان شد نشان‌دهنده زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان شهادت بود که به روشنی از هویت مقاومت می‌گوید. منطق این گفتمان برای طرد سلطه مستکبران و مستبدان و حمایت از افراد و جوامع تحت سلطه آنان پدیدار شده است. کنشگران مسلمان چه در دوران استبداد پهلوی و چه در دوران سلطه و فشارهای استکبار جهانی که برای نابودی انقلاب اسلامی می‌کوشید، شکل‌هایی از مقاومت را ایجاد کردند. هویت مقاومت کنشی دفاعی در برابر ستم و به قصد حاشیه راندن ستمگران بوده است. بدین ترتیب از طریق بازنمایی هویت برآمده از گفتمان شهادت، افراد و جماعت‌هایی که احساس می‌کنند در موقعیت ستم‌دیدگی قرار دارند، از خود مقاومت نشان داده و به ستیز یا رقابت با ستمگران می‌پردازند. مبارزان و مجاهدان مسلمان از طریق این گفتمان و برجسته ساختن برخی سازه‌ها و لایه‌های هویت برآمده از آن و با نشان دادن تمایزات خود، به نوعی غیریت‌سازی مبادرت ورزند.

منابع

قرآن کریم.

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۴). هویت ملی و پروژه ملت‌سازی. مدرسه، شماره ۲۰.
۲. آهانگر، عباسعلی؛ سلطانی، علی‌اصغر؛ خوشخونزاد، امیرعلی (۱۳۹۳). تحلیل گفتمانی انشقاق جریان اصول‌گرا به خرده گفتمان‌های جبهه‌پایداری و جبهه متحد اصول‌گرایی در انتخابات ۱۳۹۰. پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال ششم، شماره اول.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی، چاپ سوم.
۴. بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). درآمدی بر تحلیل گفتمان. در: محمدرضا تاجیک، گفتمان و تحلیل گفتمانی (مجموعه مقالات). تهران: فرهنگ گفتمان.
۵. بیل، جیمز (۱۳۶۷). جنگ، انقلاب و روحیه؛ بازشناسی جنبه‌های دفاع و تجاوز. تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
۶. بیلیس، جان و همکاران (۱۳۷۳). استراتژی معاصر. ترجمه هوشمند میرفخرایی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. چیت‌ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۳). هویت دینی جوانان در ایران. در: هویت در ایران. به کوشش علی‌اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۸. حاجتی، احمدرضا (۱۳۸۱). عصر امام خمینی. قم: بوستان کتاب.
۹. حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵.
۱۰. خلیجی، عباس (۱۳۸۶). ناسازه‌های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی (۱۳۸۴-۱۳۷۶). رساله دکتری، گروه علوم سیاسی. دانشگاه تهران.
۱۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲-۱، ۴، ۱۵، ۱۶-۱۷، ۱۳.
۱۲. خوش‌چهره، محمد؛ حبیبی، نیک‌بخش (۱۳۹۱). اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران. راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۲.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳.
۱۴. رضایی میرقائد، محسن؛ مبینی دهکردی، علی (۱۳۸۵). ایران آینده در افق چشم‌انداز. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۵. سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران). تهران: نشر نی.
۱۶. سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۷). ترجمه المیزان. قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ج ۱۴.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ عمید. تهران: چاپخانه سپهر.
۱۹. غفاری هاشجین، زاهد و همکاران (۱۳۸۹). مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی. مطالعات/انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۳.

۲۰. فارسون، سمیح (۱۳۷۹). فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. ترجمه معصومه خالقی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۲. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ج ۷.
۲۳. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت). ترجمه حسن چاوشیان. تهران: طرح نو، ج ۲، ۲۴.
۲۴. متقی، ابراهیم؛ کریمی، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی مفهوم شهادت در دوران دفاع مقدس با رویکرد تحلیل گفتمان. پژوهشنامه دفاع مقدس، سال دوم، شماره ۶.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). قیام و انقلاب مهدی. قم: صدرا.
۲۶. هوارث، دیوید (۱۳۷۹). نظریه گفتمان. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. در: محمدرضا تاجیک، گفتمان و تحلیل گفتمانی (مجموعه مقالات). تهران: فرهنگ گفتمان.
۲۷. ون دایک، تئون. ای. [تون آدریانوس فان دایک] (۱۳۸۹). مطالعاتی در تحلیل گفتمان (از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی). گروه مترجمان. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم.
۲۸. یورگنسن، ماریان؛ فیلیس، لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

References

Holy Quran.

- Ahangar, A.A. ; Soltani, A.A. & Khoshkhoodjad, A.A. (2014). Discourse Analysis of the Difference of the Fundamentalist Current into the Sub-Discourses of the Stability Front and the United Fundamentalist Front in the 2011 Elections. *Linguistic Research*, Year 6, Issue 1. [In Persian]
- Amid, H. (1984). **Farhang Amid**. Tehran: Sepehr Printing House. [In Persian]
- Assyrian, D. (2005). National identity and nation building project. *School*, No. 20. [In Persian]
- Bahrampour, SH.A. (2000). **An Introduction to Discourse Analysis**. In: Mohammad Reza Tajik, Discourse and Discourse Analysis (Collection of Articles). Tehran: Farhang Gofman. [In Persian]
- Bashiriyah, H. (1997). **Political sociology**. Tehran: Ney Publishing, third edition. [In Persian]
- Basic Law, Islamic Republic of Iran. [In Persian]
- Bilis, J. & et al. (1994). **Contemporary strategy**. Translated by Houshmand Mirfakhraee. Tehran: Office of Political and International Studies. [In Persian]
- Bill, J. (1988). **War, revolution and morale; Recognize the aspects of defense and aggression**. Tehran: Secretariat of the International Conference on Rape and Defense. [In Persian]
- Castells, M. (2001). **Information Age: Economy, Society and Culture (Power of Identity)**. Translated by Hassan Chavoshian. Tehran: New Plan, Volume 2, 24. [In Persian]

10. Chit Sazi Qomi, M.J. (2004). **Religious identity of youth in Iran**. In: Identity in Iran. By the efforts of Ali Akbar Alikhani. Tehran: Jihad University Research Institute for Humanities and Social Sciences. [In Persian]
11. Dehkhoda, A.A. (1993). **Dictionary**. Tehran: University of Tehran Press, Vol.3. [In Persian]
12. Farson, S. (2000). **Political culture in the Islamic Republic of Iran**. Translated by Masoumeh Khaleqi. Tehran: Center for the Recognition of Islam and Iran. [In Persian]
13. Ghaffari Hashjin, Z. & et al. (2010). The basic components of the discourse of self-sacrifice and martyrdom in the Islamic Revolution. *Studies of the Islamic Revolution*, Seventh Year, No. 23. [In Persian]
14. Ghorashi, A.A. (1992). **Quran Dictionary**. Tehran: Islamic Library, sixth edition, vol. 7. [In Persian]
15. Hajati, A.R. (2002). **Imam Khomeini era**. Qom: Bustaneketab. [In Persian]
16. Hajjani, I. (2000). Sociological analysis of national identity in Iran and the design of several hypotheses. *National Studies*, 2(5). [In Persian]
17. Howarth, D. (2000). **Discourse Theory**. Translated by Amir Mohammad Haji Yousefi. In: Mohammad Reza Tajik, Discourse and Discourse Analysis (Collection of Articles). Tehran: Farhang Goftman. [In Persian]
18. Jorgensen, M. & Phillips, L. (2010). **Theory and method in discourse analysis**. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
19. Khalaji, A. (2007). **Theoretical mismatches and political failures of the reformist discourse (1997-2005)**. PhD Thesis, Department of Political Science. University of Tehran. [In Persian]
20. Khomeini, R. (2000). **Sahifeh Imam**. Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini, vols. 1-2, 4, 15, 16-17, 13. [In Persian]
21. Khoshchehreh, M. & Habibi, N.B. (2012). Basic principles and key elements of the Islamic-Iranian model of progress from the perspective of superior documents of the Islamic Republic of Iran. *Strategy*, Year 21, No. 62. [In Persian]
22. Motahari, M. (1988). **Mahdi Uprising and Revolution**. Qom: Sadra. [In Persian]
23. Mottaqi, I. & Karimi, M. (2013). Investigating the concept of martyrdom in the era of sacred defense with a discourse analysis approach. *Journal of Sacred Defense*, Second Year, No. 6. [In Persian]
24. Rezaei Mirqaed, M. & Mobini Dehkordi, A. (2006). **Iran's future on the horizon**. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization. [In Persian]
25. Soltani, A.A. (2005). **Power, discourse and language (mechanisms of power flow in the Islamic Republic of Iran)**. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
26. Tabatabai, M.H. (1988). **Translation of the Almizan**. Qom: Allameh Tabatabai Scientific and Cultural Foundation, vol. 14. [In Persian]

27. Twenty-year vision document of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]
28. Van Dyke, T. (2010). **Studies in discourse analysis (from text grammar to critical discourse)**. Group of translators. Tehran: Office of Media Studies and Development, Ministry of Culture and Islamic Guidance, third edition. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2021.1899581.1242

پریزاد، رضا؛ هاشمی منفرد، سیدجواد (۱۳۹۹). تأثیر گفتمان شهادت بر ساخت هویت ملی. سپهر

سیاست، دوره ۷، شماره ۲۶، ص ۱۴۷-۱۸۱.